■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

پنجشنبه ۱۰ تیر ۱۴۰۰ | ۲۰ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۷۶ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Thursday - July 1, 2021

حدیث روز: تحف‌العقول

امام صادق(ع) فرمود: مؤمن جز به سه خصلت نیک نشود: فهم عمیق در دین، اندازه‌داری نیکو در زندگانی و بردباری بر ناگواری.

واحه: عطار

گر ز عشقت عافیت می‌پرسدم
عافیت چه‌کنم که رسوایی بس است

امروز در تاریخ:

- روز صنعت و معدن
- تغییر نام شیر و خورشید سرخ به هلال‌احمر (۱۳۵۹ ش)
- درگذشت سهراب شهید ثالث؛ فیلمساز (۱۳۷۷ش)
- درگذشت سیدرضا نیری، رئیس پیشین کمیته امداد امام خمینی(ره) و از اعضای باسابقه حزب موتلفه اسلامی (۱۳۹۶ ش)

حکمت ۸۷: نهج‌البلاغه

در شگفتم از کسی که از رحمت خداوند ناامید می شود، حال آن‌که توان آمرزش خواستنش هست.

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۸ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۴
اذان مغرب: ۲۰/۴۵ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۵
اذان صبح (فردا): ۴/۰۷ | طلوع خورشید (فردا): ۰۵/۵۳

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اهواز	بندرعباس	تبریز	ساری	شیراز	مشهد	قشم
۲۷ / ۳۶	۳۵/ ۴۹	۳۰ / ۴۱	۲۲ / ۳۲	۲۵ / ۳۲	۲۳ / ۳۹	۲۷ / ۳۷	۳۰ / ۳۶

گفت‌وگو با کاوه میرعباسی، مترجم

ذهن دربسته، مصیبت است

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای‌بسم!...

لذت‌بخش‌ترین لحظه‌های کودکی و نوجوانی این قلم، همانا خواندن کتاب بود و بس! در آن میان یکی از آن پرشمارکتاب‌ها افسانه‌های ملل بود؛ مجموعه‌ای دلنشین و گیرا که هنوز هم بازچاپ می‌شود که برگردان فارسی افسانه‌های مجارستان از همان فَرگرد(=مجموعه)، کار استادمیرعباسی بود که در ۱۴سالگی با همین کتاب، روشِ حرفه‌ای ترجمه را آغازید. درباره این بزرگِ نام‌آشنا در قلمرو ترجمه همین بس که نامش بر جلد آثار بسیاری از نویسندگان بزرگ معاصر آمده چونان یوسا، فوئنتِس، اوکتاویوپاز، مارکز و خیلی‌های دیگر... برگردان بیش از ۵۰کتاب، جایگاهی ستودنی به‌این چهره فرهنگی تاثیرگذار داده. کرونا نگذاشت همدیگر را رودررو ببینیم؛ حتی شده من این‌طرف اتاق و ایشان آن‌طرف.

از شما چه پنهان فرمودند به‌خاطر کرونا دو سال است درهای خانه را به روی هرچه مهمان بسته‌اند حتی در حیاط یا کوچه با رعایت فاصله فوق‌ایمن هم قرار دیدار و عکاسی نگذاشتند که بسی حق دارند. درودشان باد!

این که یکی مث من زنگ می‌زنه که خاطره‌های خوبی از آثار شما داره، چه حسی رو در شما برمی‌انگیزه؟

به هرصورت خوشایند. این از اون چیزهاییه که به مرور برحسب سن تغییر می‌کنه چون یه مقداری به این موضوع‌ها و توجه‌ها بی‌اعتنا شدم.

حرف سن‌وسال شد، موهاتون رو با چه‌آردی سفید کردین؟

البته به نسبت سنم خیلی سفید نشده‌ها! اگه ریش بذارم شاید ریش‌سفید محسوب بشم.

اگه شما رو منسوب کنن به ریاست همه مترجم‌ها، برنامه‌هاتون...؟

من از اساس با چنین چیزی مخالفم. از نازل‌ترین ترفندهای خررنگ‌کنی، کار اونایی که میان چی‌چیه ترجمه‌ها راه می‌ندازن. قطعا خودم رو قاتی این چیزها نمی‌کنم.

اگه خودِ شما رو ترجمه‌کنیم به الفبا، چه مطالبی رو کاغذ می‌یاد؟

درکل نارضایتی.

اگه شما رو کتاب فرض‌کنیم، نویسنده‌تون خودتونین یا دوست‌داشتین یکی دیگه باشه؟

دوست داشتم خودم باشم، ولی خودم نبودم.

با خمیر شما تنور چه کسانی گرم شده؟

ناشرها و روزنامه‌نگارها.

برای خودتون بیشتر نون درآر بوده یا بقیه؟

البته برای خودم هم قطعا منفعت داشته چه مادی چه معنوی؛ ولی بیشتر از همه برای روزنامه‌نگارها بوده.

فکر می‌کنین بیشتر روزنامه‌نگارین یا مترجم یا نویسنده؟

در عمل روزنامه‌نگار که اصلا نیستم. من مترجمم ولی توی ذهنم، خودم رو نویسنده می‌دونستم اما شرایط و کوتاهی خودم باعث شد نتونم استعداد نویسندگیم رو پرورش بدم.

البته مترجم، بازآفرین اثره.

حدی که نویسنده، آفریننده است یه چیز دیگه‌ست. خواهرم به من می‌گفت کاش این‌همه زبان بلد نبودی اون‌وقت قطعا یه کار خلاقه‌تر انجام می‌دادی. فکر می‌کنم ازجهتی درست می‌گفت.

درباره اونایی که ترجمه واژه به واژه و روبه‌رویی می‌کنن؟

اصلا مترجم نیستن.

دقیقا! دلیل وجود چنین نگاه ۱۰۰درصد غلطی به ترجمه؟

معلول بودن سیستم آموزشی ماست، ضمن این‌که از رشته‌های مترجمی هم تقریبا مترجم درست درمون درنیومده.

عارضه مهلک برای دانش ترجمه؟

اسمش رو گذاشتم ترجمه به شیوه انبارداری که می‌گن سه کلمه رو نباید با چهارکلمه ترجمه کنی. به اندازه‌ای که کلمه تحویل می‌گیری باید به تعداد تحویل بدهی.

از موردهایی که عجیب غافلگیرتون کرد؟

توی چه زمینه‌ای.

احساس نامطبوع؟

مگه می‌شه آدم احساس نامطبوع نداشته باشه.

اگه در سطح اکابر بود سوادتون؟

شایدکاسب می‌شدم.

چون روحیه کاسبکار...؟

نداشته‌ام هیچ‌وقت ولی ذهنم توی اعداد و حساب، خوب کارمی‌کنه سریعه، خیلی از کاسب‌ها و تاجرها گفتن اشتباه کردی نیومدی توی این شغل.

پایه اول خوشبخت شدن؟

خوشبختی هر آدمی در مرحله اول به زندگی حرفه‌ایش برمی‌گرده.

وخوشبخت‌ترین آدم‌ها؟

از کاری که دوست دارن ارتزاق می‌کنن.

سعادتمندی شما به چیه؟

به اینه که همه چیزو در حد ولرمش داشتم.

با کی قابل مقایسه هستین در شغل با تاثیرگذاری بر فرهنگ؟

چون از چهار زبان ترجمه می‌کنم از این جهت با سحابی و سروش حبیبی.

کتابی که مثل فرزندتونه؟

بله صدسال تنهایی، کمدی الهی، عشق در سال‌های وبا.

بهترین کاری که هنوز نکردین؟

بهترین نیست ولی ضروری‌ترین همین قرارداد ترجمه با نشرچشمه از زبان رمانیایی هست که جاش توی کارهام خالیه.

اگه براتون بزرگداشت بگیرن؟

احساس خیلی خوشایندیه.

از من که خسته نشدین؟

نه بفرمایین.

فیلم کردنِ داستان‌های ترجمه‌ای شما؟

سال ۷۲ به سفارش شبکه دو چون رشته تحصیلیم سینماست، سریال ۱۳قسمتی نوشتم به نام مادام اولگا که یکی از اصیل‌ترین پلیسی‌هایی بود که به‌فارسی نوشته شده‌بود و خیلی دلم می‌خواست ساخته می‌شد که نشد.

بودجه نبود؟

البته پول من فیلمنامه نویس رو دادن. با تغییر مدیریت هم گفتن بودجه نیست و...

چرا پلیسی؟

به ادبیات پلیسی، نظر منفی داشتم ولی بعد نظرم مثبت شد و الان سی و چندساله پیگیر این ادبیاتم.

مسافری که با ستاره شمال آمد؟

پلیسی خیلی خوبیه.

قتل در کمیته مرکزی؟

این هم پلیسی بدیعیه هردوتاشون چیزی هستن فراتر از پلیسی.

مدرسه فرشته‌ها؟

جنبه تجاریش نظرم بود که اشتباه بود.

تصاویر زیباچی؟

بینابینی و خیلی مهم به‌نظرم نمی‌یاد.

پرتوی از هند (عاشق اکتاویو پازم)؟

من هم ازش خوشم می‌یاد ولی از کتاب‌های بدفروشه.

بانوی دریاچه؟

خیلی خوبه.

سایه‌گیوتین؟

مابه‌ازای داستایوسکیه توی رمان پلیسی.

هفتگانه سودابه؟

کاش توفیقی باشه تمومش کنم.

اگه فیلم بشه؟

نورعلی نوره. ولی بعیده.

زنده‌ام که روایت کنم؟

اولین باری که کشف کردم کتابی که خودم خوشم نیاد بیشتر ازش استقبال می‌شه.

گفت‌وگو با بورخس؛ یا کدوم بزرگان را دوست دارید صحبت کنین؟

کسی که باهاش از نظر تخیلی، احساس نزدیک دارم ژان کلود کری یر که فیلمنامه نویس اکثر کارگردان‌های بزرگه.

مایک‌ها مرروخوندین؟

این قلابی‌هایی که توی ایران منتشرشد نه، اصلیش رو خوندم اثر میکی اسپیلین.

آخرین رمان پلیسی خیلی خوب که خوندین؟

با نثر درخشان فرانسه‌اش خوندم اثر خانم فرد واراگاس که بدیع و درخشانه و به‌فارسی هم ترجمه شده.

خانم مارپل رو که نگاه کردین؟

آگاتا کریستی اهمیت خودش رو داره ولی چون یه سری فرمول‌های ثابت برای تمام داستان‌هاش داره از خیلی سال پیش هر رمانی ازش خوندم وسطاش قاتل رو تشخیص دادم به‌همین دلیل تازگیش رو واسم از دست داده. بیشتر توی نخ نوآورهای ادبیات پلیسی هستم.

چشم‌بصیرت؟

هوشیاری

ذهن خلاق؟

بزرگ‌ترین موهبت

ذهن دربسته؟

مصیبت.

توفیق؟

کمیاب.

فال حافظ؟

همیشه نازنین.

قیمت کتاب در این روزها؟

چون توی بالارفتنش ذی‌نفع هستم نظرعام نمی‌تونم بدم.

کتاب بی‌شابک؟

می‌شه قاچاق.

گلدان؟

زندان گُل.

اگه جای شیرازه کتاب بودین؟

نگهبانی دلپسند.

تعبیرتون از جلد کتاب؟

خیلی تاثیرگذاره. شکل خیلی اهمیت داره

خود کتاب؟

ذاته در اصل

واژه‌ها چی؟

از اون هم بیشتر تاثیرداره.

بوق اشغال

عنوان کتاب؟

بعضی وقت‌ها شیفته عنوان می‌شم.

دریا؟

هم شاعرانه هم قلابی.

بیابان؟

بی‌کرانگی.

کوهستان؟

بلندپروازی.

صدای رود در سکوت دره؟

به نوعی خردمندی.

مهم‌ترین پرسش زندگیتون؟

کیستی خودم.

آثار دیگران رو هم نقد می‌کنین؟

نه، هرچند برای خودم نظرداشتم ولی نگفتم.

از دغدغه‌های ناگفته؟

همه دارن. بگه نداره دروغ گفته بیان بشه که دیگه ناگفته نیست.

باکی درمیونش می‌ذارین؟

با یار همدل.

کیا براتون اهمیت دارن خودشون، نظرشون؟

برام جالب بود کسی که فکرمی‌کردم بیشتر از همه دوستمه بعد از سی وچندسال توی فیسبوک همدیگه رو پیدا کردیم دیدم همون‌قدر دوست موندیم و این واسم خیلی ارزشمنده.

نمره‌تون توی زندگی؟

۱۲

چرا...حیرت کردم؟

تازه ۱۲ با ارفاق.

دغدغه فرهنگی‌تون؟

بتونم توانایی‌ها و خلاقیت‌هام رو به منصه ظهور برسونم گرچه دیگه فکرمی‌کنم از سن من گذشته.

درباره شیرینی و زیبایی زندگی؟

یه تانگوی اسپانیایی هست به‌نام چیزهایی که می‌تونست بشه و نشد.

چهره‌تون! چه حسی بهش دارین؟

بهش عادت کردم.

قاطعیت تون رو چه‌جور نشون می‌دین؟

وقتی می‌گم نه، همون نه.

کانال ارتباطی‌تون با دیگران؟

ارتباط درمعنای واقعیش با آدم‌هاییه که خودبه‌خود شکل می‌گیره. اهل تلفن زدن نیستم.

بودن با دوستان صمیمی؟

انگار که زمان اصلا نگذشته.

کتاب بالینی شما؟

ندارم به اون صورت ولی کتاب‌هایی که خیلی خیلی دوست‌شون داشتم و هنوز هم دارم. سور بز/ بارگاس یوسا، زندگی جای دیگریست/ میلان کوندرا

نویسندگان محبوب شما؟

همون دوتا توی نویسنده‌های زنده، محبوب من هستن البته توی دوران درخشان‌شون.

آخه خلاقیت هم با سن افت می‌کنه؟

بارگاس یوسا یه خرده افت کرده و کارهای آخرش بداعت اولیه رو نداره. نوآوری‌هایی که توی ساختار داشت نداره یه فرمول‌هایی هی تکرار می‌شه.

اگه چند میلیون تومن بن کتاب داشتین؟

الان هرکتابی که دلم می‌خواد رایگان دانلودش می‌کنم و می‌خونم.

شما هنوز شاگردین یا استاد؟

هردوتاش.

یه جمله قصار از خودتون که مشهور شده؟

نمی‌دونم که هیچ‌وقت داشتم یا نه توی مصاحبه‌هام یه جمله‌هایی پرونده که تیتر گفت‌وگو شده. درباره وضعیت ترجمه و تعداد کثیر مترجم‌ها گفته‌بودم همه سیاهی لشکرن... یکی مرد جنگی به از صدهزار.

یه بار گفته‌بودین فوئنتس رو نمی‌شناسیم چون کارهای مهمش ترجمه نشده دیگه چه کسانی رو...؟

درمورد یوسا هم تاحدودی صدق می‌کنه چون یه سری کارهاش رو نمی‌شه ترجمه کرد هرچند زیاد شاخص نیستن. اگه زمین ما/فوئنتس ترجمه و خونده بشه بهش دیدگاه متفاوت‌تر و جامع‌تری پیدا می‌کنیم و خیلی نویسنده‌ها که اصلا آثارشون فارسی نشده.

انگار خارج از جهان سیر می‌کنیم؟

نه به‌صورت نامتوازن در جهان وجود داریم از یه جهاتی شوریم از جهاتی بی‌نمک.

در گزینش آثار برای ترجمه، بیشتر سلیقه نقش داشته؟

بیشتر از سلیقه، تصادف نقش داشته چون فرهنگ ادبیات داستانی ما متکی به غرب و ترجمه آثارشونه.

تعجب‌آورترین شاهکارها و نام‌های نوبلی هم هست که به فارسی نمی‌شه خوند؟

آثار به صورت نظام‌مند و روشمند ترجمه نشد.

ارتباط با نویسنده‌های خارجی؟

نه.

هدیه‌تون به دیگران کتاب یا؟

بستگی داره به شخصش.

هدیه‌تون واسه دلنشین‌ترین شخص، نزدیک‌ترین دوست؟

به اینها کتاب‌هامو پیشکش می‌کنم نه به حساب هدیه، به اینها قطعا کتاب هدیه نمی‌دم.

درباره انتقادچی‌ها چی‌گین؟

یه کمی جوابش کلیشه‌ایه اگه منصفانه به نظر بیاد خیلی هم سپاسگزارم‌شم.

در فضای مجازی که اونقده انتقادهای عجیب‌غریب می‌شه؟

الان عادت کردم یه گوشم رو درکنم یه گوشم رو دروازه، هرچند بیشتر چشمام درگیر این قضیه است چون می‌بینم و می‌خونم.

اگه حال‌تون رو بگیرن چیزی بگن ناخوشایند؟

بستگی‌داره به موردش، معمولا بی‌جواب نمی‌ذارم.

جنگلی که به کاغذ تبدیل می‌شه؟

خیلی به این موضوع فکر نکردم.

آیا برگ درختاد فترة؟

به این هم زیاد فکر نکردم.

می‌شه خورشید رو هم جزو انتشاراتی‌ها به‌شمار آورد؟

از چه جهت...

چون روشنایی‌اش همه جا منتشر می‌شه؟

حداقل توی کلام بله.

سفارش همیشگی به انتشاراتی‌ها؟

آدمی نیستم که خیلی اهل توصیه باشم مگر این‌که ازم نظر بخوان. علی‌الاصول می‌گم صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

به خود ناشرها مستقیم هیچ‌وقت هیچ توصیه‌ای نمی‌کنم.

سود شما بیشترش به فرهنگ جامعه رسیده یا جیب ناشرها؟

فکرمی‌کنم بیشتر به جامعه.

برای فرازآخر؟

این نیز بگذرد.

---

۱۰ تیر

«یک زن یک مرد» مقابل دوربین می‌رود

مهدی صباغ‌زاده به‌زودی فیلمبرداری فیلم «یک زن یک مرد» را شروع خواهد کرد. در این فیلم هدیه تهرانی و خسرو شکیبایی بازی خواهند کرد. این دو بازیگر قبل از این در فیلم کاغذ بی‌خط به کارگردانی ناصر تقوایی مقابل یکدیگر بازی کردند. یک زن یک مرد مانند دیگر فیلم‌های صباغ‌زاده به مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد. (صفحه ۳)

«هوش مصنوعی» رکورد فروش را شکست

استیون اسپیلبرگ با فیلم تازه‌اش «هوش مصنوعی» باز هم در آمریکا رکوردشکنی کرد. هنوز رقم اولیه فروش فیلم به‌طور رسمی اعلام نشده اما مسؤولان استودیوی دریم ورکس می‌گویند تمام بلیت‌های روز اول در سینماهای نمایش‌دهنده فیلم در سراسر آمریکا به فروش رفته. آنها امیدوارند فیلم بتواند بیشتر از آخرین اثر اسپیلبرگ «نجات سرباز رایان» فروش کند. (صفحه ۳)

۱۱ تیر

نظر علی ربیعی درباره اصلاحات

جنبش اصلاحات باید به احیای جریان راست سنتی کمک کند چراکه وجود این جریان در کشور مفید است. علی ربیعی، مشاور رئیس‌جمهور در امور اجتماعی به ایسنا گفت: اساسا حیات گروه‌های فکری مختلف یک اصل بوده و کسانی که سعادت خود را در ضعف طرف مقابل می‌دانند قطعا اشتباه می‌کنند. با توجه به مباحثی که این روزها گفته یا نوشته می‌شود ما شاهد یک پالایش در طیف گسترده جریان موسوم به مخالفان اصلاحات هستیم. افرادی از این جریان قطعا سعی دارند افراطی‌ها را کنار بگذارند. این اتفاق را باید به فال نیک گرفت. به نظرم در این طیف افراد به تعقل‌گرایی برای بازسازی و بازنگری رسیده‌اند که در آینده نزدیک اثرات آن را خواهیم دید. (صفحه ۲)

تاکید رهبر معظم انقلاب بر مبارزه با فساد مالی

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای روز گذشته همزمان با روز صنعت در دیدار وزیران و مسؤولان وزارتخانه‌های صنایع، معادن و بازرگانی و جمعی از صنعتگران، معدنکاران و تولیدکنندگان کالا گفتند: ایران اسلامی با تکیه بر منابع و استعدادهای انسانی و طبیعی داخلی و با مدیریت متعهدانه، دلسوزانه و کارآمد می‌تواند به شکوفایی اقتصادی برسد. ایشان با تاکید بر لزوم جدی گرفته شدن فرمان مبارزه با فساد مالی و اقتصادی و سودهای نامشروع افزودند: مبارزه قاطع با فساد اقتصادی و مالی زمینه‌ساز احساس امنیت برای سرمایه‌گذاری سالم است. (صفحات یک و دو)

بلاژه‌ویچ: تا من هستم خداداد نیست

میروسلاو بلاژه‌ویچ، سرمربی تیم ملی، دیروز آخرین نشست مطبوعاتی خود را پیش از سفر به اروپا برگزار کرد. او در طول این نشست بارها درباره خداداد عزیزی صحبت و تاکید کرد که تصمیم ندارد او را به تیم ملی بیاورد. او گفت: روزهای اولی که خداداد به اردوی تیم ملی آمد من مجذوبش شدم. خیلی تلاش می‌کردم تا خودش متوجه نشود اما بازیکن استثنایی بود. می‌خواستم او را به‌عنوان مهره کلیدی برای تیم دربیاورم اما متاسفانه خودش نخواست. (صفحه ۱۵)

تولید «کلاه‌پهلوی» ادامه دارد

سریال «کلاه‌پهلوی» به کارگردانی سیدضیاءالدین دری در ۲۰ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای برای پخش از شبکه یک تولید می‌شود. دری درباره تولید این سریال گفت: کلاه‌پهلوی ۱۵ شخصیت اصلی و حدود ۷۰ شخصیت فرعی دارد. از هزار دقیقه این سریال ۲۰۰ دقیقه آن در فرانسه و بخش‌هایی از آن در ترکیه تصویربرداری می‌شود و بقیه در ایران مقابل دوربین خواهد رفت. (صفحه ۳)

مرور و عبور با جام جم
چاپ جم ۲۰ سال قبل